



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درآمدی بر تربیت دینی
با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان

نویسنده: دکتر محمد رضا فضل الله
ترجمه (یا اندکی تصرف): فرزادق اسدی

دین به عنوان مسئولیت*

آیاتی از قرآن مانند آیه ۳۳ سوره «توبه» و آیه ۲ سوره «جمعه»، تبیین کننده اهداف رسالت‌های آسمانی است. که به طور خلاصه می‌توان آنها را در سه مورد زیر برشمرد:

۱- شناخت راه حق و هدایت، تا انسان‌ها در تربیت، عظمت و نعمت‌های بی‌کران خداوند غرق شوند؛

۲- برقراری ارتباط روحی با خداوند تعالی از طریق عبادت، ستایش و تسبیح او و نیز پایبندی کامل به احکام و فرامین وی؛

۳- پاک‌سازی جان‌ها، قلب‌ها و عقل‌ها، از تمامی گونه‌های آلودگی، شرک و فساد. خداوند متعال به اقتضای رحمت خویش، تمامی احکام لازم را در کتاب‌های مقدس خود فرو فرستاده و پیامبران خویش را موظف به ابلاغ، تفسیر و انجام آن کرده است تا عدل و امنیت گسترش یابد و حیات مردم را خوش بختی و نیک فرجامی دربرگیرد. خداوند طی قرن‌ها و نسل‌های گوناگون، مسئولیت پایبندی به این احکام و اتکا بر آنها را

* این مقاله، ترجمه و تلخیصی است از دو فصل کتاب زیر:

فضل الله، محمد رضا: المعلم و التریبیه، دار اجال المصطفی (ص)، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۵.

در همه زمان‌ها و مکان‌ها بر بندگان خویش مکلف ساخته است تا تمامی توانایی و دانش خویش را به کار گیرند و همواره دیگران را به سوی او فرا خوانند و در حمایت از این احکام و عملی سازی اصول آن، افرادی امانت دار و مطمئن باشند. شاید سنگین ترین بخش این مسئولیت بزرگ را کسانی بر عهده دارند که حیات خویش را در خدمت دین سپری می‌کنند؛ مانند عالمان روحانی و معلمان تربیتی.

در این مقاله می‌کوشیم به اجمال آن چه معلم تربیت دینی را در انجام نقش خویش یاری می‌رساند و وظیفه تعلیمی-تربیتی وی را آسان می‌سازد تا آینده رسالت خویش را با کارایی، آگاهی و مسئولیت پذیری محقق سازد، بیان کنیم.

موضوعات تربیت دینی

برای سخن گفتن از موضوعات تربیت دینی، باید ماهیت و حدود دین را تعریف و مشخص کرد. تاکنون تعاریف متعددی از دین ارائه شده است که به عنوان نمونه می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- «دین یک نهاد الهی است که انسان را در اعتقاد، به حق و در رفتار و معامله، به خیر فرا می‌خواند».

- «دین مجموعه‌ای از عقاید، احکام و آداب است که خداوند آنها را برای بندگان خویش تشریح کرده، تا آنان را به انتخاب خویش به آن چه در دنیا برایشان سودمند و در آخرت ضامن خیر است هدایت کند».

- «دین عبارت است از تجربه، علم، گرایش، خط مشی، رفتار و کنش، که دست به دست هم می‌دهند تا شخصیت فرد و نظام جامعه بر اساس آن چه خداوند فرموده است، ساخته شود».

با توجه به این تعاریف، می‌توان موضوعات دین را به موارد زیر تقسیم کرد:

الف. عقاید. عقاید پایه‌هایی هستند که ایمان فرد مسلمان بر آنها استوار می‌شود و بی وجود آنها، فرد از دایره اسلام خارج می‌گردد. آیه شریفه ۱۳۶ سوره نساء، این عقاید را

مشخص کرده است:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتاب‌هایی که قبلاً نازل کرده بگروید و هرکس به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز باز پسین کفر ورزد، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است».

برای آن که بتوانیم به عقیده درست یقین پیدا کنیم، خداوند ما را دعوت می‌کند تا از حواس، عقل، وجدان و تمامی ابزارهای شناخت بهره ببریم تا به این وسیله و از راه حجت و دلیل و نه گرایش‌های پدران و نیاکان، به اعتقاد راسخ و درونی دست یابیم.

ب. احکام شرعی (فقه). احکام شرعی، نظام‌هایی است که خداوند متعال آنها را تشریح کرده است تا به وسیله آنها، انسان رابطه خود را با خدا، برادران هم‌کیش و هم‌نوع و هستی، جهان و زندگی برقرار سازد.

احکام شرعی، نمود بایدها و نبایدهای الهی در عبادات، معاملات و... هستند. و بر فرد مسلمان است که آنها را از کتاب الهی، سنت پیامبر او و فتاوی مجتهدان عادل (در صورتی که خود مجتهد نباشد) استخراج نماید.

قرآن کریم بیش از یک مورد، از عقیده با تعبیر «ایمان» و از شریعت با تعبیر «عمل صالح» نام برده است. برای مثال: (کهف، ۱۰۸-۱۰۷) و (نحل، ۹۷).

ج. اخلاق و آداب. اخلاق در اسلام یک نظام دقیق و فراگیر در رفتار انسان است که تنظیم‌کننده انگیزه‌ها و اهداف است. اخلاق است که رفتارهای فردی را بهبود می‌بخشد و روابط سالم اجتماعی فرد را بر اساس راست‌گویی، محبت، امانت‌داری، از خودگذشتگی، اعتماد و احترام متقابل شکل می‌دهد.

د. مفاهیم اسلامی. مفاهیم اسلامی مشخص‌کننده موضع اسلام نسبت به پدیده‌های حیات از جمله موضع اسلام نسبت به علم، کار و فعالیت، زن، ستم، استعمار و... است.

ه منابع اصلی تشریح. که شامل:

- قرآن کریم، که کتاب و کلام خداوند است که آن را بر پیامبر خویش وحی کرده است تا

به وسیله آن مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور راه نماید.

- سنت پاک نبوی، که شامل هرگونه گفتار، کردار یا فرمانی است که از رسول خدا ﷺ صادر شده است. قرآن و سنت دو منبع اصلی شریعت اسلامی به شمار می آیند. و. سیره انبیاء و ائمه و پاکان. هدف از این موضوع، تشریح حیات مبارزاتی انبیاء و... در سایه دین اسلام و نیز تبیین عملی سازی دین در زندگی توسط آنان است. ز. سرودهای اسلامی. اینها قطعاتی منظوم از نوا و موسیقی هستند که گوش نواز و تصویرگر الگوهای فضیلت و جهادند و در جان نوجوانان شور و انگیزه را نسبت به قضایای اسلامی برمی انگیزند، و نیز در درون آنها روحیه شهادت طلبی و فداکاری ایجاد می کنند.

این موضوعات از جمله موارد در دسترس یک معلم تربیتی برای آموزش است که باید آنها را عملاً تدریس کند، آگاهانه آنها را در زندگی خویش به کار گیرد و با راستی و اخلاص آنها را عملاً محقق سازد تا به وسیله آنها بتواند به باور دانش آموزان خویش راه یابد و این موارد را به مظاهر رفتاری و عملی تبدیل نماید که به صورت خیر و فضیلت و برتری در واقعیت های زیستی ثبوت و ظهور پیدا کند.

منابع تربیت دینی

انسان تربیت دینی خویش را از منابع گوناگونی می گیرد؛ از جمله:

الف. فطرت دینی. نخستین معارف دینی نزد یک کودک از فطرتی که خداوند نزد او به ودیعت نهاده است بر می خیزد؛ فطرتی که در اعماق جان وی قرار دارد و تا پایان عمر، او را تغذیه می کند و با او همراه است. کنجکاری و توجه نسبت به عالم غیب، ایمان به علل وجود، جست و جو در میان علت ها و معلول ها و... از جمله استعداد های فطری است که تمامی انسان ها، با وجود اختلاف گونه ها و محیط های شان، آنها را یکسان احساس می کنند. آنان می دانند که هر پدیده ای پدید آورنده ای و هر اثری مؤثری دارد؛ نان بر نانوا دلالت دارد و نقاشی بر نقاش... و تمامی اینها نشانگر یک حقیقت ثابت است. جهان هستی با نظام، عناصر و هماهنگی میان اجزای آن، به آفریدگار عظیم خود یعنی خداوند اشاره

می‌کند.

این احساس فطری همان است که یک بادیه نشین ساده دل، از آن به شکلی دیگر نام می‌برد؛ هنگامی که از او دلیل وجود خداوند را پرسیدند و گفت که جای پا بر انسان دلالت می‌کند، آیا یک آسمان پر ستاره و یک زمین پر شکاف، بر یک خداوند قادر و بزرگ دلالت نمی‌کند؟

گرایش فطری به معرفت خداوند متعال، چه بسا هنگام ضعف، بیماری، تنگدستی و ترس به گونه‌ای آشکار ظهور می‌کند. قرآن کریم بیداری این گرایش را در انسان‌های در حال غرق در دریا‌های توفنده، آنگاه که تمامی درهای نجات به رویشان بسته می‌شود توصیف کرده است (یونس / ۲۲).

ب. خانواده. هنگامی که کودک رشد می‌کند و از توانمندی‌های جسمی، روحی، عقلی و اجتماعی برخوردار می‌شود، برخی از معارف دینی خویش را از طریق مشاهده و تقلید از خانواده برمی‌گیرد. خانواده نقشی عمیق در توسعه و تعمیق یا خاموشی احساسات دینی نزد فرزندان دارد؛ زیرا:

- اگر کودک در خانواده‌ای رشد یابد که به دین اهتمام دارد و آموزه‌های آن را با آگاهی دنبال می‌کند، خود نیز به دین اهتمام خواهد ورزید. آنگاه مانند والدین خود نماز خواهد خواند و خواهد کوشید تا در روزه گرفتن از آنان تقلید کند. هم چنین با تأثیر پذیرفتن از آنان، حیاتی سرشار از محبت خداوند، حذر از خشم او و پرهیز از حلال و حرام را خواهد داشت و بر همین اساس، تمامی رفتارها و روابط خود را تنظیم خواهد کرد.

- اما اگر زیر نظر والدینی که به احکام خداوند و اخلاق دینی پایبند نیستند تربیت شود، به هر آن چه به دین مرتبط است بی‌اعتنا خواهد بود. حدیث شریف «کل ابن آدم یولد علی الفطرة، و اما ابواه هما اللذان یهودانه او ینصرانه او یمجسانه؛ هر انسانی با فطرت زاده می‌شود، و این والدین اویند که وی را یهودی، نصرانی یا آتش پرست می‌گردانند»، این امر را یادآوری می‌کند.

در بررسی ویژگی‌های دوره کودکی، متوجه دو نکته مهم شدیم:

۱- برای از میان بردن عادت‌هایی که در کودکی در انسان‌ها نهادینه می‌شوند، به تلاش فراوانی نیاز است و این امر این مسئولیت والدین را دوچندان می‌کند و آنها را موظف می‌کند کودکان را با محوریت التفات به خداوند، تقوا، راست‌گویی و اخلاص بزرگ نمایند. به این ترتیب کودک به گونه‌ای شایسته، مطمئن و به دور از عقده‌های روانی بزرگ می‌شود. آیه ششم سوره «تحریم» به همین نکته اشاره دارد.

۲- تربیت خانوادگی بیش از هر تربیت دیگری از دوام و استمرار برخوردار است. کودک بیشتر وقت خویش را با خانواده سپری می‌کند. او در تمامی لحظات رفتارهای خانواده را مشاهده، تقلید و از آنها پیروی می‌کند. او عادت‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌ها را از آنها می‌گیرد و در خود به نمودهای رفتاری تبدیل می‌کند. به همین علت است که والدین در راهنمایی و خط‌دهی به فرزندان خویش مسئولیت سنگینی بر عهده دارند.

ج. تربیت آموزشی. کودک هنگامی که رشد می‌کند و بزرگ می‌شود، با دنیایی جدید آشنا می‌شود. دنیایی که در آن با معلمان و دوستان خود آشنا می‌شود. او روابط اجتماعی متفاوتی را با آنان برقرار می‌سازد و به روش‌های تربیتی متفاوتی با آن چه در خانه دیده است، گردن می‌نهد.

مدارس ممکن است به گونه‌های مختلفی به تربیت دینی اهتمام کنند؛

۱- مدارس که به مدارس «لائیک» معروف‌اند هرچیزی را جز دین می‌آموزند. در برنامه‌های درسی این مدارس هیچ‌گونه آموزش دینی وجود ندارد. در این صورت دانش‌آموزان در حالتی از نادانی، بی‌تفاوتی، دشمنی یا ریشخند نسبت به هرآن چه با دین در ارتباط است زندگی می‌کنند. در چنین حالتی، به نظر آنان دین یک امر غیبی یا خرافی خواهد بود که شایستگی اهتمام زیاد را ندارد.

۲- دسته‌ای دیگر از مدارس، به ظاهر و شکل دین و نه جوهره و محتوای آن التفات دارند. این مدارس در برنامه‌های درسی خود دین را تنها به عنوان یک رابطه درونی و یک خصلت فردی بی‌ارتباط به حیات انسان معرفی می‌کنند و به عنوان یک موضوع حاشیه‌ای در برنامه خود می‌گنجانند و این اندیشه را در ذهن دانش‌آموزان جای دهند که «آن چه را

برای قیصر است برای قیصر و آن چه را برای خداست برای خدا واگذارید». این نوع از مدارس یکی از دو باور زیر را در دانش‌آموزان پدید می‌آورند:

- دین یک رابطه روحی میان فرد و خدای اوست (دین یک اندیشه ناقص است)؛

- دین نمی‌تواند عقل دانش‌آموز را قانع و روح او را با آرمان‌هایش سازگار سازد.

۳- بالأخره مدارس دیگری، دین را به عنوان عقیده، شریعت و حکم پذیرفته‌اند و آن را ترویج می‌کنند. این مدارس به تربیت کامل دانش‌آموزان بر اساس احکام دین خداوند، که تمامی جوانب را بر اساس اوامر خداوند پاسخ‌گویی می‌کند، اهتمام می‌ورزند. معلمان امور دینی در این میان ممکن است دو روش را در پی گیرند:

- روشی که بر برنامه‌های مطالعه شده و موضوعات مشخص متکی است و به دانش‌آموزان حداقل فرهنگ لازم را برای ساختن یک شخصیت روشنفکر و آگاه، که رو به خداوند دارد و در پی آن است که زندگی را به عرصه کنش حق و عدالت و نیکی مبدل سازد، عرضه می‌کند.

- روش مطلق‌گویی که به مقرراتی مشخص و ضروری پایبند نیست. معلم در این روش با شاگردان خویش در خارج از چارچوب مدرسه (در مساجد، خانه‌ها و...) ملاقات می‌کند تا به آنان یک رشته معلومات اضافی را که فرهنگ و خود آگاهی آنان را بالا می‌برد و شخصیتشان را کامل می‌کند تقدیم کند. این روش برای دانش‌آموزانی که به وقت‌هایی بیش‌تر و عرصه‌ای آزادتر برای گفت‌وگو، پرس‌و‌جو و بحث و جدل نیاز دارند تا ایمانی عمیق‌تر و معرفتی گسترده‌تر کسب کنند، ضروری است.

د- تربیت اجتماعی. کودکان و نوجوانان از مدرسه پا به درون جامعه می‌گذارند و در آن با عقاید دینی، جریان‌های فکری و محیط‌های متفاوتی رو به رو می‌شوند. بر اساس تنوع شیوه‌های تربیتی ارایه شده به آنان در مدارس و خانواده، موضع‌گیری‌های آنان در قبال جامعه متفاوت و متنوع خواهد بود. کسی که در نادانی و بی‌تفاوتی به سر برده باشد، هم چون پر در و زرش باد، بازچه جریان‌های عقیدتی گوناگونی خواهد بود که فرصت را غنیمت می‌شمارند و خلأ فکری او را با هرآن چه که خود بخواهند پر می‌کنند. اما کسانی

که دل‌های‌شان از ایمان و حیات‌شان از تقوا آکنده است، خواهند دانست که چگونه با جامعه خود سازگاری یابند و رو در روی جریان‌های متضاد بایستند و چگونه اسلام را به عنوان یک واقعیت زنده در زندگی خویش محقق سازند. چنین فردی به آن چه باور دارد، عمل خواهد کرد و آن را گسترش خواهد داد.

ویژگی‌های تدریس موضوعات دینی

برای آن که بتوان کارآیی موضوعات دینی را در تغییر و پیشبرد رفتارهای فرد تضمین کرد، ناگزیر از به کارگیری روش‌ها و وسایل آموزشی، که با ذات موضوع و هدف مورد نظر سازگاری داشته باشند، هستیم. بر این اساس می‌توان روش‌های یاد شده را به دو بخش تقسیم کرد:

- روش‌های عام، که به وجوه مشترکی می‌پردازد که در تدریس موضوعات گوناگون به کار می‌رود؛ مانند سخنرانی، بحث و بررسی و...

- روش‌های خاص، که خصوصیات هر یک از درس‌ها را در نظر می‌گیرد. برای مثال، اگر بخواهیم شخصیت امام علی علیه السلام را بررسی کنیم، می‌توان آن را از جنبه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار داد؛ از جمله:

۱- از دید تاریخی: این امر نیازمند تکیه و تأکید بر روایت و تحلیل اتفاقات و شرایط سیاسی زمان حیات حضرت علی علیه السلام است. برای این کار باید موارد زیر را مطالعه و بررسی کرد:

- امام و جهاد او همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله؛

- امام و زندگی او با خلفا؛

- شرایط زمان به عهده گرفتن خلافت؛

- خلافت امام و جنگ‌های او در جمل و صفین و نهروان.

در این چارچوب معلم می‌تواند از روایت و سخنرانی و نیز پرسش‌هایی که موضع‌های گوناگون را تحلیل و نتایج را استنباط می‌کند، بهره ببرد.

۲- از دید زبان و ادبیات. این مورد نیازمند تکیه و تأکید بر بلاغت حضرت علی علیه السلام در

خطبه‌ها، موعظه‌ها، شعر و حکمت‌های اوست. معلم در این مورد از متون موجود بهره می‌برد تا ویژگی‌های لغوی، ادبی، بیانی و هنری آنها را استخراج کند. در این بخش شیوه پرداخت، نحوه خوانش، شرح واژگان و معانی و استخراج تعبیرهای لغوی و بیانی و هنری فرق می‌کند.

۳- از دید دین. این مورد نیازمند تکیه و تأکید بر جنبه‌های ایمانی، اخلاقی، جهادی و رفتاری شخصیت امام است. معلم در این بخش، مواردی همچون تقوا، ارتباط امام با خداوند، اخلاق، جهاد و رفتار او را عرضه می‌کند... تا از آنها پند گرفته شود و از طریق آنها، شاگردان اخلاق، دیدگاه‌ها و رفتار خویش را در زندگی تعدیل و تقویت کنند. کار در این بخش، نیاز به تصویرگری درست و دقیق، تأثیر گذاری قوی، تحریک وجدان و چیره دستی در شرح موضوع دارد.

عناصر یک شیوه موفق

از ویژگی‌های یک شیوه موفق عرضه موضوعات دینی، می‌توان به این موارد اشاره کرد:
 - شیوه مذکور هدف مورد نظر را در کمترین زمان و تلاش ممکن محقق می‌سازد.
 - اقدام و توجه دانش‌آموزان را به خود جلب می‌کند، گرایش‌های آنان را پاسخ می‌گوید و آنان را تشویق و تحریک به مشارکت فعالانه می‌کند.
 - از مظاهر آن، تا حد امکان، کاستن از تلقین و تقلید، به ویژه نزد کوچک‌ترهاست؛ به گونه‌ای که به آنان اجازه می‌دهد خودشان به تفکر، پرس و جو و اکتشاف بپردازند و به راه حل‌ها و باورهایی دست یابند.

- در شیوه‌های بیانی آن، عناصر نرمش و انعطاف پذیری دیده می‌شود و از یکنواختی و روزمره‌گی به دور است. اندیشه‌ها را گاهی به صورت پرسش، گاهی به صورت بحث و تبادل نظر و گاهی به شکل قصه یا ارایه راه حل برای یک مشکل مطرح می‌نماید.
 اوضاع جسمی، روحی و استعدادهای عقلی دانش‌آموزان را مد نظر دارد.

با وجود این، معلم نباید به یک شیوه واحد بسنده کند، چرا که این امر باعث خواهد شد

بر اثر مرور زمان، شیوه مذکور به شیوه‌ای عقیم تبدیل گردد که نو میدی و ملال را در دانش‌آموزان برخواهد انگیخت. تنوع در روش‌ها و پیشبرد شیوه‌های بیانی برای دست یافتن یک معلم به موفقیت، امری اجتناب‌ناپذیر است. دانش‌آموزان از راه مشاهده با حواس، سخن گفتن، گفت و گو کردن، خواندن، نوشتن و نتیجه‌گیری می‌آموزند؛ از این رو بر هر معلمی لازم است از تمامی این وسایل استفاده کند تا به آسانی به هدف مورد نظر دست یابد.

معلمان و فنّ تدریس

- نقش معلم تربیت دینی در مدارس از دو جنبه شبیه کار یک پزشک است:
- برای آن که یک پزشک در کار خود فردی موفق باشد ناگزیر از داشتن استعدادها، موهبت‌ها، دانسته‌ها و تجربه‌هایی است که او را شایسته می‌گرداند تا کار خود را به بهترین شکل پی گیرد.
 - برای آن که یک پزشک بتواند داروی درستی تجویز کند، ناگزیر از بررسی علل بیماری و عواملی است که به پیدایش آن منجر شده است.
 - یک معلم تربیت دینی نیز برای آن که در کار خود توفیق یابد، ناگزیر از داشتن مجموعه‌ای از ویژگی‌های عام است که به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم:
 - فطرت، موهبت و طبع ذاتی. معلم باید دارای شخصیتی قوی، اندامی متناسب، صدایی واضح، گویشی نیکو، ذهنی سریع، رفتاری صحیح، رویی گشاده و مشربی سبک باشد. او هم‌چنین باید اجتماعی، قاطع، حکیم، مهربان، بردبار و... باشد.
 - تدلّین. او باید از تدینی برخوردار باشد که بر ایمانی عمیق، اعتقادی قوی، تقوایی پویا و رفتاری نیکو متکی است.
 - معلم باید از فرهنگ دینی، اجتماعی و تربیتی گسترده‌ای برخوردار باشد. این فرهنگ سلاح اصلی اوست و شامل موارد زیر می‌شود:
 - فرهنگ عمومی. به این معنا که از تمامی علوم بهره‌ای داشته باشد.

- فرهنگ تخصصی. به معنای شناخت علوم عقیده، قرآن، سنت، سیره، اخلاق، فقه و... است.

- فرهنگ تربیتی. به معنای شناخت روش‌ها و ابزارهای تدریس است.

- فرهنگ روانی. به معنای آگاهی از روان‌شناسی تربیتی است.

- فرهنگ عملی. به معنای تجارب آموزشی است. این فرهنگ باید هزارچند گاهی دگرگون و نوسازی گردد و معلم در این میان باید به هر آنچه در عرصه دانش و معرفت رخ می‌دهد وقوف یابد و در آن تأمل کند.

- اخلاق شخصی. ادب، تواضع، راست‌گویی و احترام معلم نسبت به شاگردان خویش و نیز رفتار درست با آنان، در طول زمان، به ایجاد روحیه معلم دوستی در شاگردان و سرعت پذیرش نظرات وی نزد آنان منجر خواهد شد.

پیشرفت ادراکات دینی

دین اسلام دین فطرت و عمل، دین روحیه و عاطفه، دین منطق و اندیشه و دین جامعه و تشریح است.

- تدبیر دوران کودکی، تدبیری فطری و عملی است.

- تدبیر دوران نوجوانی، تدبیری روحی و عاطفی است.

- تدبیر دوران جوانی، تدبیری فکری و منطقی است.

- تدبیر دوران بزرگسالی، تدبیری فقهی و تشریحی است.

بر اساس این داده‌ها، به بررسی پیشرفت درک دینی در دو مرحله کودکی و جوانی خواهیم پرداخت، تا به این وسیله، راه‌هایی را که باید برای تقویت این درک و تبدیل آن به مظاهر پویای رفتاری در واقعیت‌های زندگی طی کنیم، بشناسیم.

پیشرفت درک دینی کودکان

برای شرح و تبیین این مورد، آن را در چند مرحله بررسی می‌کنیم:

الف. چارچوب معرفت دینی.

در مرحله کودکی، کودکان از خصوصیات ذهنی و روحی محدودی که منعکس کننده اندیشه‌های دینی ساده آنان است برخوردارند. از جمله این خصوصیات می‌توان این موارد را نام برد:

۱- در مرحله کودکی، کودکان از تفکر محدود و تجاربی اندک برخوردارند. آنان با عقل خود درجهان محسوسات زندگی می‌کنند و از درک معانی مجرد و براهین عقلی، به گونه‌ای درست و آشکار، ناتوان‌اند. کودکان هنگامی که به خدا می‌اندیشند و هنگامی که از خشم خداوند بر حذر داشته شده و به دوست داشتن خداوند فرا خوانده می‌شوند و نیز آنگاه که به آنها گفته می‌شود که خدا شما را می‌بیند، بی آن که شما او را ببینید و سخن او را بشنوید، بر اساس یک شیوه فطری متکی بر ارتباط با جهان محسوس خود، با اندکی تفاوت، هم چنان که پدران خویش را دوست می‌دارند و از آنان اطاعت می‌کنند و از خشم‌شان حذر می‌کنند، خداوند را هم دوست می‌دارند، از او اطاعت می‌کنند و از خشم وی حذر می‌نمایند.

۲- کودکان در دوره کودکی، به سرعت تأثیر می‌پذیرند و تحریک می‌شوند. از این ویژگی می‌توان به خوبی بهره جست و آن را در راه‌های مفید به کار گرفت. برای حمایت و راهنمایی آنان، بیش از اقامه حجت و برهان، می‌توان به انگیزش عاطفه دینی و روحیه فطری آنان پرداخت.

۳- کودکان در این دوره، به تقلید گرایش دارند. آنان عملکرد پدران و معلمان خود را در نظر می‌گیرند، و در عبادت، اخلاق و رفتار، از آنان تقلید می‌کنند و آنها را در هر چیزی الگوی خود قرار می‌دهند.

ب. نیازهای کودکان. کودکان نیازهای خاص خویش را دارند. آنان می‌کوشند این نیازها را به هر طریق ممکن برآورده سازند. تربیت دینی به این نیازها پاسخ می‌گوید و تلاش می‌کند به پیدایش و بهبود آنها بپردازد. این نیازها به شرح زیر می‌باشند:

۱- نیاز به محبت و اطمینان. همان گونه که گیاهان به نور خورشید نیاز دارند، کودکان نیز

به محبت نیازمندند. محبت تکیه گاه اساسی سلامت رشد کودکان و سازگاری مطلوب آنان با محیط پیرامون به شمار می آید. خداوند متعال این محبت را در دل های والدین نهاده است که احساس امنیت و اطمینان در روح فرزندان آنان به وجود آید و با احساس محبت، رشد یابند و بزرگ شوند.

نقش تربیت دینی، تبدیل این احساس به محبت خداوند و اعتماد و توکل بر اوست. باید در مباحث دینی به کودکان فهماند که:

- خداوند متعال آنان را از هرگونه بدی و ناپسندی حمایت می کند؛ اما پدران را توانایی این کار نیست.

- خداوند تعالی خیر و نیکی را به آنان عطا کرده و نعمت های گوناگون به آنها بخشیده است و در برابر بدی به آنان احسان نموده است.

- اگر توبه کنند خداوند متعال گناهانشان را می بخشاید و اگر اطاعت نمایند آنان را به بهشت وارد می سازد.

- و ...

تربیت دینی می کوشد این تصویر درخشان را در روح کودک نهادینه کند، تا کودک با شوق و رغبت به خداوند روی آورد و با لذت و شادمانی به پرستش او بپردازد. این امر یک احساس درونی اطمینان بخش و آکنده از محبت، امنیت و آسودگی را در کودک ایجاد می کند.

۲- نیاز به احترام. کودک هنگامی که به عزت نفس خود پی برد، درمی یابد که فردی ارزشمند و شایان اعتماد، احترام و قدردانی است. آنگاه می کوشد تا محور اهتمام دیگران باشد و دست به انجام کارهایی زند که نظر بزرگسالان را به خود جلب کند و در مقابل، توقع دارد تا شگفتی، تشویق و تحسین آنان را از انجام این کارها ببیند.

دین در تعالیم خود، به انسان احترام می گذارد، وی را ارج می نهد، عزیز می دارد و به او اعتماد می کند: «ولقد کرمنا بنی آدم؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم» (اسراء / ۷۰). نقش معلم در مجسم ساختن و به ظهور رساندن این تعالیم خلاصه می شود.

او با کودکان به نرمی و لطافت برخورد می‌کند، با آنان با محبت و قاطعیت رفتار می‌کند و آنان را یاری می‌رساند تا به گسترش توانایی‌ها و به‌کارگیری قدرت خویش در عرصه‌هایی که برای دیگران سودمند است پردازند و به این وسیله، احترام و قدردانی آنان را به دست آورند.

این مسایل اعتماد به نفس را در کودک تقویت می‌کند و باعث می‌شود تا به اهمیت نقش خویش و نیز به ارزش و جایگاهی که دیگران برای او قایل‌اند پی‌برد.

۳- نیاز به تجارب جدید. خداوند در روح کودک غریزه کنجکاوی قرار داده است تا به مشاهده و کشف آن چه در اطراف است پردازد و بیاموزد که چگونه می‌تواند با محیط خود سازگاری یابد و با آن برخوردی مطلوب بکند.

دین با جوهره‌ای که دارد انسان را با تجارب بسیاری آشنا می‌سازد که این تجارب مجهولات را برای او کشف می‌کند و اهتمام او را به شناخت اسرار معطوف می‌سازد، تا به این وسیله به عظمتی که خداوند در میان خلق خویش دارد و به نعمت‌هایی که به بندگان خود عطا کرده است پی‌برد. پس از این مرحله، دین بر تربیت انسان متمرکز می‌شود و او را با آداب، اخلاق و سلوکی که خداوند به آن فرمان داده است آشنا می‌کند، تا کودک بداند که چگونه به خداوند روی آورد، چگونه از والدین خود اطاعت کند، چگونه به بزرگسالان احترام بگذارد و خردسالان را بنوازد، چگونه به گونه‌ای نیکو با دیگران گفت و شنود کند، چگونه بخورد، لباس بپوشد، از بیماران عیادت کند، به همسایه‌ها نیکی کند و تهیدستان را یاری رساند.

۴- نیاز به تعلق. تعلق یا وابستگی نیازی است که کودک آن را احساس می‌کند. او هنگام وجود والدین خود، احساس آرامش و آسایش می‌کند و به محض این که از چشم او غایب شوند، دچار اندوه و نگرانی می‌شود. هنگامی که بزرگ‌تر می‌شود احساس می‌کند که نیاز دارد تا عضوی از گروهی باشد که آرمان‌ها و آرزوهای مشترکی با او دارند و به آن چه او فکر می‌کند و به آن اهتمام دارد، فکر می‌کنند و اهتمام می‌ورزند.

معلم یا مربی باید از این نیاز به گونه‌ای صحیح و درست بهره‌برداری کند و عرصه را

برای پیوستن کودک به گروه‌هایی که در گفتار و کردار و پندار خویش به خداوند پیوسته‌اند مهیا سازد، تا کودک در این گونه محیط‌ها با ایمان، دوستی، پاکی و تقوا همزیستی کند و انسان صالح و مؤمنی شود که خداوند، انسان‌ها و زندگی را دوست می‌دارد.

در پایان ناگزیر از ذکر این نکته هستیم که بهترین راه و برترین ابزار تحقق بخشیدن به این اهداف، وجود الگویی راستین و کامل در رفتار معلمانی است که تربیت و راهنمایی کودکان به آنان سپرده شده است.

ج. **نمودهای ادراکات دینی نزد کودکان.** نمودهای درک دینی نزد کودکان را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- **واقع‌گرایی.** کودک جهان را از طریق حواس خود، که در او به مثابه دریچه‌های شناخت است درک می‌کند. او وجود را به گونه‌ای ملموس تخیل می‌کند. برای مثال، خداوند، بهشت و جهنم را در پندار و درون خود، به شکل موجوداتی محسوس تخیل می‌کند.

۲- **شکل‌گرایی.** کودک اندک اندک تقلید و محاکات را می‌آموزد. او از بزرگسالان در ادعیه‌ای که بر زبان می‌آورند و نیز آیین‌های عبادی که انجام می‌دهند تقلید می‌کند. می‌توان از این گرایش به صورتی استفاده کرد که کودک عادت‌های دینی درست را تمرین کند، تا این عادت‌ها در دوران او تقویت و تعمیق شوند و او به همراه آنها بزرگ شود و به آنها پایبند گردد.

۳- **منفعت‌گرایی.** کودک خود بین و منفعت‌گراست. او شدت زیادی خود را دوست دارد. هنگامی که نماز می‌خواند، گاهی برای طلب حاجتی از خدای خویش است، گاهی از ترس کیفر پدر است و گاه به منظور رضایت‌مندی معلمی است که کودک او را دوست دارد. او گاهی روزه را، با وجود سختی‌هایی که در آن تحمل می‌کند، به این علت دوست دارد که اطمینان دارد هنگام افطار، با غذاهای خوشمزه و رنگارنگی رو به رو خواهد بود.

۴- **تعصب.** کودک در دین خود تعصبی درونی دارد که برای آن به هیچ‌گونه دلیل، موضوع یا منطقی تکیه نمی‌کند. او هر که را مؤمن است دوست می‌دارد و نسبت به هر که

کافر است تنفر می‌ورزد.

این موارد برخی از نمودهای درک دینی نزد کودکان است. چگونه می‌توان از این نمودها بهره‌برداری کرد و آنها را در سمت و سوی ایمانی درستی گسترش داد و پیش برد؟
د. گسترش و تعمیق روحیه دینی نزد کودک. برای آن که یک کودک به دین‌گرایی پیدا کند و به آن روی آورد، باید اطلاعات و فعالیت‌هایی را به او عرضه کرد که نیازهای او را برآورده سازد، با گرایش‌هایش انطباق داشته باشد و با سطح فکر و توانایی‌های او متناسب باشد. بنابراین باید:

۱. به مسایل فطری و جنبه‌های علمی توجه کرد؛
 ۲. بر معانی اخلاقی و رهنمودهای رفتاری تکیه نمود؛
 ۳. از داستان‌های دینی و به ویژه داستان‌های متناسب با روحیات کودک یاری جست؛
 ۴. به آموزش آیات قرآن و احادیث نبوی با استفاده از اصوات زیبا پرداخت؛
 ۵. برای کودک فیلم‌های دینی و تربیتی مناسب نمایش داد؛
- باید توجه داشت که تمامی این موارد، با تشویق و ستایش کودکان و هر آن چه برای آنها مطلوب و دوست داشتنی است، همراه باشد.

«غزالی» معتقد است تربیت دینی باید از سنین پایین آغاز شود؛ زیرا در این سن کودک بدون طلب دلیل و برهان، آماده پذیرش عقاید دینی است. از طرفی دیگر، نهادینه کردن معانی دینی با تلقین و تقلید آغاز می‌شود و سپس با توجه به مراحل گوناگون رشد، دستورات مناسب هر مرحله، به تدریج عرضه می‌شود و در پایان، به پدید آمدن باورهای عمیق و محکم در ذهن انسان می‌انجامد.

«غزالی» فرآیند تلقین را به بذر افشانی در خاک، و اعتقاد یافتن از طریق برهان را به فرآیند آبیاری و پرورش تشبیه می‌کند.

پیشرفت فکر دینی نزد نوجوانان

با رسیدن کودک به سن رشد (نوجوانی)، نگرش دینی وی نیز دگرگون می‌شود و تحول

می‌یابد. به این گونه که:

- از یک نگرش محدود و یک احساس ساده، به یک نگرش وسیع و احساس عمیق تبدیل می‌شود؛

- گرایش فطری به یک گرایش روحی و عاطفی تبدیل می‌شود؛

- ادراک از سطح امور حسی به سطح امور معنوی و مجرد انتقال می‌یابد؛

- تدبیر در کودک به یک پدیده زنده و پویا و آکنده از نشاط، عاطفه و امید تبدیل می‌شود؛

- و تعبیرهای دینی پس از آن که مدتی با ابهام و غموض همراه بود، آشکار و مفهوم می‌شود.

کودک از خداوند یک تصویر محسوس دارد، ولی در دوره نوجوانی، این تصویر را بازنگری می‌کند و می‌فهمد که وجود خداوند متعال، یک وجود مادی نیست. او سپس می‌کوشد تا معتقدات خویش را با دلیل و برهان لازم پشتیبانی و تجهیز کند.

با توجه به آن چه گفته شد، می‌توان روحیه دینی یک نوجوان را چنین تبیین کرد:

الف. شور عاطفی. تفاوت کودک و نوجوان در آن است که کودک نسبت به دین خود تعصب و نوجوان نسبت به آن شور و شوق دارد. هر دو از برخورد با کسانی که عقاید مخالفی دارند کراهت دارند؛ اما نوجوان، شور و شوق و موضع خود را بر اساس ادراک منطقی متکی بر دلیل و برهان بنا می‌سازد.

به سبب همین روحیه عاطفی است که در برخی از مواقع و در نتیجه روش‌های اجباری تحمیل شده توسط خانواده یا معلمان، فرد نوجوان به برقراری روابط عمیق با افراد دارای عقاید دیگر، به عنوان یک ابزار تحذی و نیز رهایی از قید و بندهای تحمیل شده می‌پردازد. **ب. شک و دودلی.** نوجوان چه بسا دوره‌ای را از سر خواهد گذراند که در آن، میان شک و یقین مطلق خواهد بود. روان‌شناسان در تفسیر این دوره آرای مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی می‌گویند این یک دوره کشمکش است که در پس آن، تمایل به آزادی و استقلال فکری نهفته است و برخی دیگر معتقدند که این دوره، یک موضع مثبت یا منفی

در جست و جوی حقیقت است. ولی خطر آن جا است که نوجوان در میان گرداب این کشمکش‌ها غوطه بخورد، بدون آن که دستی او را به ساحل آرامش و امنیت عقیدتی و ایمانی بکشد. این مسئولیت را تربیت دینی بر عهده دارد که از جمله وظایف آن، ساخت عقیده‌ای محکم، پدید آوردن ایمانی خود آگاهانه، و تحکیم و تعمیق اخلاقی پسندیده است.

ج. موضع‌گیری در برابر جریان‌های فکری. دانش‌آموزان در سن جوانی مرحله‌ای دقیق و تعیین کننده را سپری می‌کنند که طی آن ممکن است وسوسه‌های براق و جذاب که نمود جریان‌های فکری فریبکارانه یا گرایش‌های مذهبی منحرف است، آنان را جذب کند. از این رو ضروری است که مربیان در این مرحله عنایت ویژه و شدیدی نشان دهند و دانش‌آموزان را به اعتقادات و آگاهی‌های دینی مجهز و تثبیت کنند. این امر با عرضه اشتیاق‌انگیز، درک روشن‌گرانه و تحلیل دقیق و آشکار صورت می‌گیرد. به وسیله این موارد، باور لازم در نوجوانان پدید می‌آید، بازدارنده‌ها در آنها رشد می‌یابد و وجدان آنها، که سلطه آن بر همه رفتارهای شخصیت گسترده است، بیدار می‌گردد.

د. شناخت منطقی. با توجه به رشد روز افزون عقلی، ملاحظه می‌شود که نوجوانان در معارف دینی به تصورات و درک سطحی اکتفا نمی‌کنند؛ بلکه خواهان تفسیر و تعلیل تمامی اصولی هستند که قرار است اعتقادات خود را بر آن بنا کنند. به همین دلیل، هنگام گفت و گو با آنها باید به منطقی مسلح بود و با نوعی ثبات و آرامش عقیدتی و روحی با آنها به گفت و شنود پرداخت.

بر همین اساس، آموزش دینی هنگامی می‌تواند به راهنمایی و ارشاد نوجوانان بپردازد که بتواند عاطفه درونی آنها را برانگیزد و با منطقی، عقل آنها را به باورها و آموزه‌های ارایه شده اقناع کند. این امر مستلزم دقت فراوان و تأملی طولانی در گزینش اطلاعاتی است که با توانایی‌ها و تجارب آنها سازگار و با واقعیت‌های پیرامون‌شان متناسب باشد. بنابراین باید:

- پژوهش‌هایی در علوم قرآنی و حدیث به آنان ارایه شود؛

- تحقیقاتی در عقاید، اخلاق و عبادات به آنان عرضه گردد؛
- موضع‌گیری انسان‌های والا در مسایل حیاتی برای آنها تشریح شود؛
- گرایش‌ها و رویکردهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رایج برای آنها تفسیر گردد؛
- و مشکلاتی که زندگی مسلمانان را در بر گرفته است برای آنها بررسی شود.

تدریج در موضوعات دینی مناسب

برای آن که کودک به سلامتی به عرصه نوجوانی و پس از آن به جوانی پای گذارد، می‌توان موضوعاتی را که متناسب با منطق امور محسوس است، برای او انتخاب و به صورت تدریجی و متناسب با رشد وی، به او عرضه کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی